

باید از شیوع سندرم B3 جلوگیری کرد

امیرحسین ثمالی

رمزگشایی از راهبرد تاریخی دعوت اسلامی

نامه‌ای که برای مدتی در رسانه‌های مهم دنیا مورد توجه و تمرکز فراوان قرار گرفت و آنان توان کتمان آن را نداشته‌اند، نامه‌ی کوتاه اما پرمحتوای رهبر معظم انقلاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی بود. این نامه برآمده از دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی و از جنس همان نامه‌ای است که امام خمینی (ره) خطاب به رهبر شوروی نگاشتند و او را به مطالعه‌ی اسلام و منابع ناب آن دعوت کردند تا از پرده‌ی جهل بیرون آیند و اسلام را با آغوشی باز پذیرا باشند.

محتویات این نامه نیز از زوایای مختلف قابل بررسی و رمزگشایی است، اما به نظر نگارنده، جان کلام رهبر معظم انقلاب در دو فراز نهفته است که در یکی از آن‌ها، خطاب به جوانان اروپا و آمریکای شمالی می‌فرمایند: «سخن من با شما درباره‌ی اسلام است و به‌طور خاص، درباره‌ی تصویر و چهره‌ای که از اسلام به شما ارائه می‌گردد».

و خواسته‌ی دوم ایشان که تصریح کردند: «خواسته‌ی دوم من این است که در واکنش به سیل پیش‌داوری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید».

بنا بر این دو مورد، ریشه‌ی انحراف عقیدتی ساکنان مغرب زمین، پیش از همه چیز، تصویر نادرست آن‌ها از اسلام و منابع آن و عدم مطالعه‌ی درست و بدون واسطه درباره‌ی اسلام است که در صورت برطرف شدن این دو مورد، نگرش آن‌ها نسبت به این دین تغییر خواهد کرد.

اما نکته‌ای که بیش از هر چیزی اهمیت دارد، علت انتخاب جوانان اروپا و آمریکای شمالی و مخاطب قرار دادن آن‌ها از سوی رهبر معظم انقلاب است. بنابراین، این نوشتار در سه بخش اصلی نگاشته شده است: اهمیت مسلمانان اروپا در ژئوپلیتیک جدید جهان اسلام، استراتژی «اسلام‌هراسی» و تصویرسازی نادرست از اسلام و لزوم روی آوردن مخاطبان نامه به منابع اصلی و اولیه.

اهمیت مسلمانان اروپا در ژئوپلیتیک جدید اسلام

اسلام و نقش مسلمانان در تحولات فکری و سیاسی اروپا، قدمتی طولانی دارد. به اعتراف بسیاری از نویسندگان، اروپاییان همواره از منابع اصیل اسلامی بهره گرفته و در ساختن تمدن اروپایی، علوم و فنون مسلمانان را در نظر داشته‌اند.

امروزه نیز در میان اندیشمندان و فلاسفه‌ی غربی، بحث درباره‌ی جایگاه


و نقش اسلام و رویکرد اروپاییان به اسلام، اهمیت خاصی یافته است. غیر از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله‌ی آمریکا به افغانستان و بزرگ‌نمایی طالبان و القاعده که بر توجه اروپاییان به مسئله‌ی اسلام افزوده است، در درون ساختار اجتماعی و سیاسی اروپا نیز نقش اسلام و جنبه‌های عمل‌گرایی آن، مورد توجه ویژه قرار گرفته است.

صورت‌بندی جدید اقتصادی و اجتماعی در اروپا و گسترش مرزهای اروپایی به کش ورهای بیشتر مسلمان، مثل آلبانی و ترکیه، اروپاییان را به تعاملی جدید با مقوله‌ی فرهنگ و گفتمان اسلام واداشته است. ظهور و تکوین مناسبات سیاسی و اقتصادی در اتحادیه‌ی اروپا نسبت به کشورهای اسلامی و از سوی، جدایی سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا از ایالات متحده‌ی آمریکا، فضای تازه‌ای را به وجود آورده است که امکان بازخوانی و همزیستی اسلام و مسیحیت را در دوره‌ی جدید، بیشتر کرده است.^۱ این مسئله زمانی مهم‌تر می‌شود که در نظر داشته باشیم طبق آمار سال‌های اخیر، حدود بیست میلیون مسلمان در کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا زندگی می‌کنند. این مسلمانان در قالب شهروند و مهاجر، در این کشورها حضور دارند و با توجه به نرخ رشد بالای جمعیت در میان مسلمانان، تعدادشان رو به فزونی می‌باشد. از دیدگاه برخی کشورهای اروپایی، حضور این جمعیت مسلمان، به دلیل برخورداری از فرهنگ و باور غیراروپایی، نوعی چالش تلقی می‌شود و نگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به این مسلمانان در این کشورها رواج دارد. وجود این نگاه تبعیض‌آمیز عمدتاً به هویت اسلامی این جمعیت مربوط می‌شود.

این مسلمانان که از ملیت‌ها، پیشینه‌ی اجتماعی و سطوح اقتصادی متفاوتی برخوردارند، به این جهت توانسته‌اند در کشورهای اروپایی، خود را به‌عنوان اجتماعی متمایز مطرح کنند که همگی با توسل به اسلام و فرهنگ‌های بومی، هویت پیدا کرده‌اند. ریشه‌ی این امر در این واقعیت نهفته است که زندگی در غربت سبب می‌شود تا مسئله‌ی هویت به موضوعی بسیار مهم و اساسی تبدیل شود.^۲

بنا بر این موارد، قاره‌ی سبز در آستانه‌ی تحولی بزرگ در وجه جامعه‌شناختی و طیف‌های اجتماعی قرار دارد و مسلمانان در این قاره، روزبه‌روز به قدرت جمعیتی بیشتری دست می‌یابند.

استراتژی «اسلام‌هراسی» و تصویرسازی نادرست از اسلام اگرچه موج اسلام‌گرایی طی یک دهه‌ی اخیر در اروپا و آمریکا تقویت



**صورت‌بندی جدید اقتصادی و اجتماعی
در اروپا و گسترش مرزهای اروپایی به
کشورهای بیشتر مسلمان، مثل آلبانی و ترکیه،
اروپاییان را به تعاملی جدید با مقوله‌ی فرهنگ
و گفتمان اسلام واداشته است.**

شده است، اما بی‌تردید «اسلام‌هراسی» یکی از راهبردی‌ترین موضوعات جهان غرب و دنیای مسیحیت به شمار می‌آید. این راهبرد فقط نتیجه‌ی یک دکترین مانند دکترین برخورد تمدن‌ها نیست، بلکه در یک بستر طولانی تاریخی شکل گرفته و پرورش یافته است.

اگرچه تئوری‌های «ناهمگونی تمدن‌ها» از سوی ریمون آرون (جامعه‌شناس مشهور فرانسوی)، «برخورد فرهنگ‌ها» توسط برنارد لویس (اسلام‌شناس و شرق‌شناس معروف) و اثرگذارترین آن‌ها، یعنی «برخورد تمدن‌ها» از طرف ساموئل هانتینگتون، در شکل‌گیری پدیده‌ی اسلام‌هراسی تأثیر عمده داشته‌اند، اما «دیگربودگی» مسلمین از نظر مسیحیان و برترانگاری خود، ریشه در آموزه‌های کلیسا دارد.

علاوه بر این، با وقوع انقلاب اسلامی، آموزه‌های اسلامی بیش از پیش کارایی خود را در دنیای مدرن به نمایش گذاشت و از همین رهگذر است که اصطلاح «اسلام سیاسی (political Islam)» متناسب با گفتمان «سکولار» شکل گرفته است.^۳

همچنین بررسی اجمالی جایگاه «دین» در مناسبات بین‌المللی، حکایت از آن دارد که «اسلام» به‌طور خاص در عرصه‌ی بین‌المللی مطرح بوده است و نمی‌توان دوره یا مقطعی را سراغ گرفت که دغدغه‌های دینی توسط اندیشه‌گران مسلمان به‌نوعی در روابط منطقه‌ای و یا بین‌المللی مطرح نبوده باشد. برای مثال، آموزه‌های اسلامی با حرکت‌های استعمارستیزانه‌ی دهه‌ی پنجاه، مقاومت دهه‌ی شصت و هفتاد (در حوزه‌ی فلسطین اشغالی)، نظم‌سازی نوین دهه‌ی هشتاد و سرانجام، طرح ایده‌ی حکومت جهانی در سده‌ی بیست‌ویکم، در ارتباط بوده و به‌وضوح می‌توان «دعای اسلامی» را به‌عنوان معارضی در برابر زیاده‌خواهی‌های قدرت‌های مسلط یا همچون رقیبی برای گفتمان هژمونیک‌گرایی لیبرال‌دموکراسی مشاهده کرد.^۴

مجموعه‌ی این عوامل بنیادین و تعارضات اصلی، منجر به آن شده است که غرب و بال رسانه‌ای آن، راهبرد «اسلام‌هراسی» را در فیلم‌های هالیوودی (به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تصویرسازی از اسلام) دنبال کنند و تصویری نادرست از این دین الهی ارائه دهند.

بر همین اساس، مبنای اسلام‌هراسی را «تصاویر (images)» شکل می‌دهند. با عنایت به نظریه‌ی «تصویرسازی» که معتقد است تصاویر مبنای تصمیم‌گیری قرار می‌گیرند و واقعیت‌ها در چارچوب تصاویر معنا و مفهوم می‌یابند، می‌توان چنین اظهار داشت که مبنای اسلام‌هراسی را تصاویر ساخته‌پرداخته‌شده در فضای



برخی از کارشناسان سینمای هالیوود از اسلام‌ستیزی موجود در این سینما، تحت عنوان سندرم B۳ یاد می‌کنند و به عقیده آنان، اعراب و مسلمانان در فیلم‌های هالیوودی، طی سه دوره در قالب BALLY DANCER (بالرین)، BILLONAIR (میلیاردر و پولدار) و BOMBERS (بمب‌گذار و تروریست) به تصویر کشیده شده‌اند. طبیعی است که چنین تصاویری از اسلام، منجر به شناساندن وارونه تعالیم دین می‌شود و جوانان اروپا و آمریکا در معرض یک خطر فکری بزرگ قرار می‌گیرند.

تأکید شده است.

هم‌اکنون نیز با توجه به گسترش روزافزون تصویرسازی‌ها، نیاز به این مطالعه فزونی می‌یابد و جالب اینجاست که در صورت استفاده از این عنصر، آسیب‌های به‌وجودآمده از تصویرسازی‌های نادرست از بین خواهد رفت. برای نمونه، تحقیقی در میان استادان دانشگاه‌های آمریکا در رابطه با برداشت آن‌ها از فیلم‌های ضداسلامی هالیوودی انجام شده است که یکی از مصاحبه‌شونده‌ها، فیلم‌ها را همچون داستانی در نظر می‌گیرد که لزوماً واقعیت را نشان نمی‌دهد و می‌گوید: «من از این فیلم‌ها نتوانستم تصویر کاملی از مسلمانان به دست آورم، بنابراین، مطلب یا نگرش خاصی را درباره‌ی مسلمانان و اسلام از این فیلم‌ها برداشت نکردم، بلکه بیشتر این فیلم‌ها را داستان‌هایی در نظر گرفتم که شامل افرادی در مکان‌های معین‌اند. من در کارم مطالعات فراوانی درباره‌ی خاورمیانه انجام داده‌ام، بنابراین آشنایی‌ای که من از خاورمیانه و اسلام دارم، باعث شد نتوانم از این فیلم برداشت بکنم که مسلمانان افرادی سستیزه‌گرند.»^۱ بنا بر این مطالب، مشخص می‌شود که در مقابل راهبرد «اسلام‌هراسی» که در غرب پیش گرفته شده است، بهترین پاسخ، راهبرد «دعوت» است تا اشتباهات شکل‌گرفته در ذهن عمومی جهانی، اصلاح شود و زمینه‌های شناخت درست آن از اسلام ناب فراهم آید.

پی‌نوشت‌ها:

۱. سید عباس پوره‌اشمی، اروپا و اسلام هویت‌ساز، مجله‌ی نگاه حوزه، سوم اسفند ۱۳۸۱.
۲. دکتر پیروز ایزدی، اسلام در اتحادیه‌ی اروپا، فصلنامه‌ی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، شماره‌ی ۲۵.
۳. اصغر افتخاری، دو چهره‌ی اسلام‌هراسی؛ سلبی و ایجابی در تبلیغات غرب، فصلنامه‌ی رسانه، ۴. سیمیر و قربانی، اسلام‌گرایی در نظام بین‌الملل، ص ۹۸ تا ۱۰۲.
۵. صلاح نصر، جنگ روانی، ص ۴۹۱ تا ۵۰۲.
۶. این تذکر لازم است که در افکار عمومی غرب، اعراب همه مسلمان‌اند و همه‌ی مسلمانان عرب‌اند. به همین خاطر، در اکثر فیلم‌های هالیوودی، برای مخدوش کردن چهره‌ی اسلام، کافی است که یک عرب در حال قتل، بمب‌گذاری، تجاوز و دشتام به تصویر کشیده شود.
۷. حمید عبداللهمیان و نیلوفر هومن، تحلیلی بر خوانش مخاطبان تحصیل‌کرده‌ی آمریکایی از فیلم‌های ضداسلام هالیوود، مجله‌ی جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، دوره‌ی ۳، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۹۰، ص ۷۵ تا ۱۰۳.

منبع: برهان

www.borhan.ir/NSite/FullStory/?Id=8286

تعاملی جهان اسلام و غرب شکل می‌دهد.

با تأمل در نظریه‌های موجود در خصوص تصویرسازی، مشخص می‌شود که عمده‌ی تحلیل‌گران، کارآمدی تصاویر تولیدی را مدیون قوت «برنامه‌ی عامل» می‌دانند. منظور از برنامه‌ی عامل، مجموعه امکاناتی است که بازیگر اصلی (در اینجا هالیوود) در مواجهه با بازیگر هدف (افکار عمومی جهانی) به کار می‌گیرد تا بتواند تصویر مورد نظر خود را از «بازیگر هدف» تولید کند. این امکانات مادی، معنوی و مدیریتی است و توان تبلیغاتی، سرمایه، استخدام فناوری و حتی دست‌کاری در شرایط زمینه‌ای را شامل می‌شود.^۵

جریان اسلام‌ستیزی در آمریکا، بالاخص در سینمای این کشور، از زمان فیلم‌های صامت و حتی پیش از آن وجود داشته است و تا به امروز نیز ادامه دارد. به نظر می‌رسد پیش از تأسیس سینمای هالیوود در سال‌های ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲، اولین فیلم عرب‌ستیز^۶ در سال ۱۸۹۷ توسط توماس ادیسون، تحت عنوان «فاطمیما رقص» ساخته شده باشد. در این فیلم، زنی عرب و رقصه، تمام تلاشش فریب مردان است. برخی از کارشناسان سینمای هالیوود از اسلام‌ستیزی موجود در این سینما، تحت عنوان سندرم B۳ یاد می‌کنند و به عقیده آنان، اعراب و مسلمانان در فیلم‌های هالیوودی، طی سه دوره در قالب BALLY DANCER (بالرین)، BILLONAIR (میلیاردر و پولدار) و BOMBERS (بمب‌گذار و تروریست) به تصویر کشیده شده‌اند. طبیعی است که چنین تصاویری از اسلام، منجر به شناساندن وارونه تعالیم دین می‌شود و جوانان اروپا و آمریکا در معرض یک خطر فکری بزرگ قرار می‌گیرند.

لزوم روی آوردن مخاطبان نامه به منابع اصلی و اولیه

همان‌طور که در مقدمه ذکر شد، قسمت مهم دیگر این نامه، درخواست دوم رهبر معظم انقلاب مبنی بر این بود که «در واکنش به سیل پیش‌دواری‌ها و تبلیغات منفی، سعی کنید شناختی مستقیم و بی‌واسطه از این دین به دست آورید.»

این فراز از نامه‌ی رهبری، همان راهبرد «دعوت» است که در متون دینی به‌دفعات ذکر شده است و پیشینه‌ی بلند دارد و از نامه‌ی پیامبر اسلام (ص) به سران کشورهای مهم آن دوران آغاز می‌شود و به نامه‌ی مهم امام (ره) به گورباچف می‌رسد که در همه آن‌ها، بر مطالعه‌ی دقیق اسلام